



... ولی مرگ حماسی آقای بهشتی مسلماً خسارتی برای عالم اسلام نخواهد بود، چرا که گوهر گرانقدر وجود ایشان در راه اسلام خرج شد و هرگز گم و تلف نشد. اگر بالاتر بگوئیم شخصیت و حیثیت آقای بهشتی در پیشگاه الهی برای انقلاب ما ذخیره شد و ما می‌توانیم برای همیشه بگوئیم که چنین فردی داشته‌ایم و انقلاب ما با وجود چنین انسانهایی شکل گرفته است.

جاودانه تاریخ، ج ۱، بخش مصاحبه با رهبر معظم انقلاب، صفحات ۳۰ تا ۳۶

■ رهبر معظم انقلاب:



دهه کرامت و ولادت امام رضا (علیه السلام) مبارک باد



بهشتی مثل یک ملت بود

کلام نخست

محمد امین مهدی پور / دبیرکل اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان



شهید تشکیلات

پیروزی انقلاب آزمون بزرگ زندگی دکتر بهشتی هم فرا رسید و دستان دشمن آنچنان علیه ایشان فعال شد تا شاید بتوانند با هجمه‌هایشان دکتر بهشتی را از مردم انقلابی جدا کنند؛ در نهایت هم که نقشه ضد انقلاب نقش بر آب شد تصمیم گرفتند تا این سنگ آسیاب گران را از حرکت وا دارند.

در واقع مقصود از حادثه هفتم تیر این بود که نظام اسلامی را فلج کنند و هدف اصلی این ترور یک نخبه انقلابی به نام دکتر بهشتی بود؛ به راستی که بعد از شهادت ایشان، ایران پر از بهشتی نبود و به راستی که این انقلاب نه بر روی کاکل زری آقایان بلکه در دل های امت بیدار بنا شده بود.

دکتر بهشتی همواره در حال ارتقاء شخصیت خود بود و هیچ گاه از آموختن دست برنداشت و جدای از روحیه انقلابی‌گری و بزرگ‌منشی، در میان نخبگان ایشان فردی عالم به علوم روز و فردی دنیا دیده حساب می‌شد و زمانی هم که انقلاب پیروز شد وقت آن فرا رسید، حکومت اسلامی را که امام خمینی (ره) به کمک جمعی از انقلابیون پروراند بودند در عمل اجرایی کنند و آن جا بود که دوباره شهید بهشتی میدان‌دار شدند و با کلامی نافذ و تلاشی مثال زدنی جنبه‌های مختلف جمهوری اسلامی را در میان مردم و نخبگان تبیین نمودند.

این سنت الهی است که هرگاه روح آدمی از مرزهای مادیات فراتر رود، دچار آزمون‌های بزرگ الهی می‌شود؛ پس از

همین روحیه پیشتازی موجب شده تا این شهید بزرگوار در تمامی نقاط و برهه‌های حساس انقلاب، همچون یک موتور محرکه بسیار قوی جهت تجمیع و هدایت نیروهای آرمان‌خواه و انقلابی عمل کرده و نقشی کلیدی ایفا کند.

این شهید والا مقام را زمانی میتوان بهتر شناخت که در سیره و گفتار او، هیچ فعلی بالاتر از اسلام و حاکمیت آن در زندگی‌اش نبوده و در واقع از دید ایشان افعال تا زمانی ارزشمند هستند که در خدمت دین و نهضت انقلابی قرار گیرند. نگاه راهبردی و بلند مدت به مسائل، نظم و جدیت در کارها و اهمیت به کار تشکیلاتی باعث می‌شد که ایشان در چند جبهه بصورت همزمان فعالیت داشته باشند.

انقلاب اسلامی سال ۵۷ ملت ایران، به دلیل ارزش‌ها و گفتمان منحصر به فرد خود، به عنوان بزرگترین رخداد سیاسی- اجتماعی قرن حاضر، بر تاریخ جهان نقش بسته است؛ جای هیچ تردیدی نیست که چنین نهضت فراگیری می‌بایست رقم زندگانی به عظمت همان انقلاب داشته باشد.

زمانی که سخن از یاران رهبر انقلاب اسلامی به میان می‌آید، یقیناً نام آیت الله دکتر محمد حسینی بهشتی، در زمره پیش قراولان این خیزش مکتبی جای می‌گیرد. آن چه که در مورد شهید بهشتی حائز اهمیت است، ایمان راستین، فکر خلاق، بصیرت مثال زدنی و شخصیت عملگرایی ایشان است که او را از بقیه انقلابیون عصر خود متمایز کرده است؛

اهم تیترها

■ تشکل های دانشجویی و گام دوم انقلاب، باید ها و نبایدها / ۷

■ جوان حزب اللهی؛ عامل تاثیر گذار در فضای مجازی / ۸

■ جاده دوم خرداد / ۱۱

■ عملکرد ضعیف دولت در عبور از تحریم ها / ۳

■ انقلاب فرهنگی از اولویتهای انقلاب اسلامی / ۴

■ دلیل آشفتنی اقتصاد ایران، نداشتن یک برنامه و چشم انداز جامع است / ۴

▪ هم شاگردی/ نشریه تحلیلی تبیینی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان/۲

▪ رضا فرهنگد

دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

بهت و ابهام!

نگاهی به پر افتخارترین فیلم جشنواره فجر «شیی که ماه کامل شد»

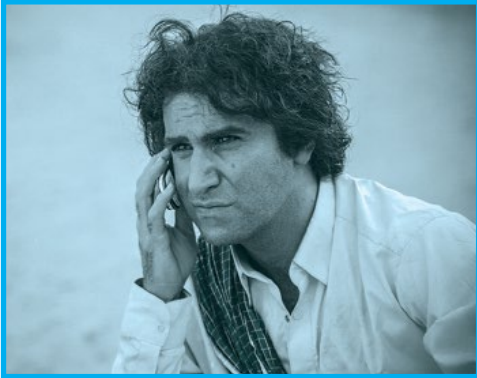
نام نرگس آبیار بطور جدی اولین بار در کنار «شیار۱۴۳» مطرح شد. بانویی جوان که در در دومین فیلمش شاهکاری با مضمون دغدغه‌های مادر یک شهید را روی پرده برد که کمتر منتقدی توانست راحت از کنار آن عبور کند. پس از شیار ۱۴۳ نوبت به «نفس» رسید، فیلمی البته خوب که متاسفانه با اقبال شیار ۱۴۳ مواجه نشد و البته به قوت آن هم نمی‌نمود. اما شبی که ماه کامل شد، امسال همه را شگفت زده کرد و شش سیمرغ را با خود به خانه برد تا نشان دهد موفقیت شیار۱۴۳ اصلا اتفاقی نبوده است.

فیلمی با محوریت زندگی شخصی یکی از رهبران گروهک خبیث «جندالشیطان» و همسرش «فائزه» که از شروعی عاشقانه به پایانی فوق العاده تلخ می رسد. این موضوع در ابتدا کلیشه‌ای می‌نماید اما این فیلم آنقدر قوت دارد که تمام کلیشه‌های اینچینی را از ذهن پاک کند، در یک جمله اگر بخواهید فرمول صحنه آراییی خوب تصویر برداری فوق العاده، فیلمنامه فوق العاده‌تر و بازی فوق العاده‌ترین را در کنار هم بیاورید «شبی که ماه کامل شد» فرآورده آن می‌شود.

بیننده همراه فائزه به دل قوم بلوچ می‌رود، از مادرش دل می‌کند و راهی پاکستان می‌شود، در کوچه‌های مخوف و بهم ریخته کراچی می‌دود و ذره ذره باورهایش به تصمیم‌هایی که گرفته می‌ریزد تا اینکه در دل تاریکی چراغ‌های سینما روشن می‌شود و با بهت از سینما خارج می‌شود و همین ویژگیست که تمام منتقدان این فیلم را به تحسین واداشته است.

شاید اگر عمقی بنگریم بتوان تنها ایراد (و ایراد بزرگ) این فیلم را گنگی عجیب آن دانست؛ این گنگی و ابهام به گونه‌ای است که بینندگان و منتقدین نه تنها برای برخی جزئیات که بعضاً برای کلیات فیلم هم دچار چند فهمی شده‌اند که از جمله مهمترین آن ها بحث «هدف فیلم» می‌باشد در تا جایی که که عده‌ای هدف فیلم را« تنها یک درام تراژیک مستند» عده ای «صرف نشان دادن مظلومیت یک فرد» عده‌ای «مذمت تکفیر» می‌دانند و عده‌ای تا «وهن اهل تسنن» و «غیرقابل اعتماد نشان دادن قوم (شریف)بلوچ » هم پیش رفته‌اند و دسته‌ای پا را فراتر گذاشته و هدف فیلم را «ضدیت با هرگونه مذهبی» و متأثر از لاتییک‌ها بر می‌شمارند؛ مشخص نیست که این گنگی عامدانه بوده یا نه، اما هرچه بود آنقدر نازیبا بود که با وجود پیوستگی بسیار خوب فیلمنامه اثر از نظر داستان و قوت دیالوگ‌ها، داواران را وادار تا با وجود حضور در کاندیداهای بهترین فیلمنامه فجر سی و هفت در این زمینه آن را از دریافت سیمرغ محروم کنند که تصمیمی بجا هم بود.

با این وجود جنبه‌های مثبت و زیبایی‌های فیلم به حدی چریش دارد که تمام این مشکلات را می‌پوشاند و می‌توان «شبی که ماه کامل شد » را شاهکاری دانست که در لحظه پایان آن (اگر بهت زده به صندلی میخکوب نشده باشید!) برخاسته و با تمام وجود آن را تشویق خواهید کرد.



▪ امیرحسن نواب / دانشجوی دانشگاه صنعتی اصفهان

پای درس امام انقلاب

تاملی در بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان



ابتدا یک دورنمای کلی از متن بیانیه با توضیح نقاط مورد تاکید در آن ارائه می‌شود و سپس به چهار مورد از لوازم و ده مورد از راهکارهای فرآیند ورود جوانان متعهد به حرکت عمومی ملت ایران در گام دوم انقلاب بیان می‌شود. در این بخش مفاهیم پر تعداد و بحث راهکار عملی در مورد بیانیه گام دوم اختصاص یافت و مطالبی بیان شد که ذهن پر چالش و جستجوگر هر دانشجوی انقلابی را می‌تواند در نسبت با گام دوم انقلاب جهت دهی کند و مسیری به سوی آرمان‌های انقلاب برای او بگشاید.

○ سَلوَنی!

بخش ابتدایی سخنرانی هر سال معمولاً به پاسخ به پرسش‌هایی که توسط نمایندگان تشکل‌های دانشجویی در ابتدای دیدار مطرح شده است اختصاص می‌یابد که باید گفت یکی از مهم‌ترین اتفاقات انقلاب اسلامی در این چند دقیقه رقم می‌خورد. چون این فرصت در همه‌ی دیدارها فراهم نیست و نمایندگان دانشجویی به نمایندگی از تمام اقشار امت اسلام باید در این فرصت غنیمتی ناب ترین سوالات خود را از مبانی معرفتی انقلاب اسلامی و مسائل کشور مطرح کنند. نگاهی به این بخش از بیانات امام در این سال‌ها بیانگر این است که متاسفانه این فرصت توسط دانشجویان سخنران به میزانی که بایسته و شایسته است مورد توجه قرار نگرفته و پرسش از مغز متفکری که پیکره‌ی زنده‌ی انقلاب اسلامی را راهبری می‌کند کمتر از بیان پرکنایه و صریح مواضع دانشجویی مورد توجه تاطقین قرار گرفته است. به هر حال امسال دو پرسش از موارد مطروحه به نسبت سایر مباحث ارزشمندتر بود که در بیانات رهبری هم به آن پرداخته شد. یک پرسش از جنبه پرداخت به موضع اصولی ایشان در رابطه با ساختار و کارگزاران نظام و پرسش دیگر از جنبه شفاف سازی یک شبهه نازل سیاسی در مورد نسبت برجام و رهبری.

○ مسئولیت خطیر جریان‌های حلقه‌ی میانی

در «گام دوم» بیانات که بیشتر وقت را هم به خود اختصاص می‌دهد سخن وارد یک موضوع راهبردی در رابطه با تحقق عینی بیانیه‌ی گام دوم انقلاب می‌شود.

در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم ... تشکلهای دانشجویی از این قیبلند ... و هر که هم در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثر تر است؛ یعنی زمام کار دست کسانی است که فعالیت کنند؛ تنبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند اینها به درد نمیخورد.»

مفاهیمی از قبیل «هدایت»، «پیگیری»، «برنامه ریزی» و «ارائه‌ی راهکار» حکایت گر ساحت دومی از رسالت جریان های موسوم به حلقه میانی یا به تعبیر بومی‌تر، تشکل‌های دانشجویی است. اگر حرکت‌های متعددی که تشکل‌های دانشجویی مستقیماً آن را اجرا می‌کنند را ساحت اولیه رسالت آن‌ها بدانیم رسالت‌هایی که در مفاهیم مطروحه وجود دارد بیانگر ساحت دومی از رسالت تشکل‌های دانشجویی است یعنی فعالیت غیرمستقیم یا «حلقه‌ی وصل» شدن. ساحت دوم به این



معناست که دیگر لزومی ندارد نیروها در تشکل ما باشند تا آن را به حرکت درآوریم و هدایت کنیم. دیگر لزومی ندارد پای هر فعالیتی در حرکت عمومی کشور نامی از تشکل ما باشد تا در آن مشارکت داشته باشیم. می‌شود اگر یک گروه صنعتی دانش بنیان مطالبه‌ای دارد پیگیر کارش شد. می‌شود اگر یک گروه علمی توسط مسئولین مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد برایش کاری کرد. می‌شود یک گروه هنری را در ساخت یک اثر، جهت دهی کرد. می‌شود برای حل یک مشکل سازمانی راهکاری ارائه داد؛ می‌شود اگر رسانه‌ای داریم صدای کسانی که صدایشان به جایی نمی‌رسد بشویم؛ می‌شود اگر سمبه‌ی مطالبه‌گری

مان پر زور است، مطالبات دیگران را پیگیری کنیم؛ و چندین «می‌شود» دیگر اضافه بر کارهایی که یک تشکل به صورت مستقیم انجام می‌دهد. اما باید توجه داشت که خطای استراتژیکی که برخی دانشجویان (نوعاً کم سابقه‌ترها) انجام می‌دهند آن است که گمان می‌کنند اگر مثلاً در یک تشکل سیاسی هستند و دغدغه‌ی یک مسئله در حوزه‌ای دیگر مطرح می‌شود مانند پیش‌برد حرکت علمی کشور یا نام گذاری سال به نام «رونق تولید»، باید یا فعالیت در تشکل را رها کنند و یا فعالیت تشکل را به سمت و سویی مغایر با ماهیتش تغییر دهند مثلاً در یک تشکل سیاسی یک کار تولیدی راه بیاندازند. پاسخ آن است که یک دانشجو می‌تواند همزمان در حوزه‌های مختلف علمی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی فعالیت کند اما یک تشکیلات نه؛ چون از طرفی فعالیت در هر یک از این حوزه‌ها ظرف تشکیلاتی متناسب با خود را می‌طلبد و اگر ظرف با مظلوف متناسب نباشد مجموعه کارآمدی لازم را نخواهد داشت و از طرفی با این رویکرد جریان انقلابی کشور در هر زمان باید تنها به یک امر مشغول باشد و شئون دیگر اجتماع را معطل بگذارد تا مثلاً شرایط اقتصادی کشور بهبود یابد. به هرحال جدا از آن که یک دانشجو می‌تواند در چند حوزه فعالیت داشته باشد یک تشکل هم نباید نسبت به سایر حوزه‌ها بی تفاوت باشد و باید در ساحت دوم رسالت‌های خود در حوزه‌های دیگر نیز به صورت غیر مستقیم و متناسب با ماهیت تشکل خود فعالیت داشته باشد.

○ خودجوش، مثل مبارزات دوران طاغوت

تکیه بر مفاهیمی از قبیل «آتش به اختیار» یا تذکر دیدار دانشجویی امسال مبنی بر لزوم خودجوش شدن فعالیت های دانشجویی حاکی از یک پتانسیل بالقوه‌ی عظیم است که به جریان نمی‌افتد. جریان‌هایی که همیشه منتظر به وجود آمدن راهکارها هستند و پس از به وجود آمدن بعضی راهکارها هم آن‌ها را از دیگران مطالبه می‌کنند نمی‌توانند پیش برنده‌ی یک نهضت باشند بلکه خود باری هستند که نهضت باید آن را به دوش بکشد. از آن‌جا که استعداد اندک اگر به فعلیت برسد بهتر از استعداد بزرگی است که به فعلیت نرسد باید از خود حساب بکشیم که حضور ما در تشکل هایمان چقدر با نبودمان تفاوت دارد؟ حقیقتاً پرداختن به بیانات امام حکیم انقلاب در دیدار دانشجویی امسال خود نیازمند حکمتی است که در بضاعت نویسنده‌ی این یادداشت نیست. اما امید است این یادداشت مسائلی را برای تفکر بیشتر در مورد بیانات در این دیدار ایجاد کرده باشد.

یادداشت

▪ خلیل عامری نیا / دانشجوی دانشگاه ایلام

عملکرد ضعیف دولت در عبور از تحریم ها

از این ها که بگذریم دولت در چند سال گذشته به علت ضعف در مدیریت ما را با نوع دیگری از تحریم، که تحریم داخلی می‌باشد روبرو رو کرده است. تحریم‌های داخلی که بخشی از آنها توسط مردم با خریدن کالای ایرانی و بخشی توسط دولت با واردات بی‌رویه باعث آسیب زدن به تولید داخلی و گاهی به وسیله‌ی تمامی تولید کنندگان با احتکار و افزایش قیمت و یا تولید اجناس بی‌کیفیت تحمیل می‌شود، نیاز به مدیریت انقلابی و جهادی مسئولین و دولتمردان را دارد تا اقتصاد کشور را نجات دهد و مشکلات را حل کند. در نهایت به عملکرد دولت که نگاه کنیم پارادایم‌ها و مشکلات و موارد زیر قابل نقد و تامل است ۱۰:

نافرجام ماندن برجام ۲، بازگشت تحریم های پیشین ۳، اعمال تحریم های جدید ۴،جلوگیری

یادداشت

▪ زهرا اسداللهی

دانشجوی دانشگاه بوعلی سیناای همدان

همیشه پای یک زن در میان است

همیشه رد پای یک زن را در بلبیوردهای تبلیغاتی، روی جلد صابون، یا هرجایی که روابط عمومی بالا احتیاج باشد را دیده ایم...
دنیاکرایان ومادی‌گرایان از این موجود لطیف صرفاً برای آب کردن کالای خود استفاده می‌کنند وبرخی دیگر نهایتا نشان دادن فردی فرضا بنام م.ا بانویی را بعنوان فعال اجتماعی در حوزه ی زنان، دارو، حیوانات... تمام شد... این خلاصه‌ای است از کلیاتی که برای یک خانم فعال در جامعه...
اما...

زنان از ارکان اصلی جامعه هستند ودارای خصایص ویژه که کانون مهر و زیبایی ونشاط است...
این زن، خودش در سرنوشت خودش دخیل است. اما باید توجه کند به اینکه خودش یک پایه است برای خانواده بعنوان جزئی از یک اجتماع، عمل وعکس‌العمل آن می‌تواند نسل ها را تحت تاثیر قرار دهد، فلذا احتیاج دارد که از یک راهنما و یا الگو استفاده کند...

حضرت زینب(س)، آمنه، خدیجه، ام‌یمن، فضا، نرجس، شهیده کمایی، مرحوم دباغ ... را می‌شناسید؟ هیچ یک از اینان زنان گوشه گیر و محبوس نبودند هریک از اینان یا بذرهایی را کاشتند و به مراقبت از آنان پرداختند یا خودشان نهال‌هایی بودند که به ثمر رسیدند و هر دو صورت هیچ یک از آنان بانو منفعل نبودند ودر همه صحنه ها حضور داشتند. کمی از مرحوم دباغ بگوئیم که خیلی هم از عصر حاضر دور نبودند کسی که قبل از انقلاب برای انقلاب جنگید و بعد از انقلاب در کسوت فرماندهی سپاه.

کمی دورتر...

نقش زنان درنهضت تنباکو که موجب تعطیلی بازار شد وساختمان شاه به محاصره عده‌ای از آنان درآمد. زنان امروز ما باید بصیرت لازم را کسب کنند و با فرهنگ‌سازی و الگو سازی مناسب نسل امروز ما را با اهداف جامعه اسلامی آشنا سازد هر زن با نقش آفرینی ای که در اجتماع دارد میتواند نقش اصلاحی خود را ایفا کند، البته رعایت عفاف وگسترش حجاب حضور زن در عرصه مختلف جامعه (به جز در مواردی که اسلام به دلایل خاصی برای حفظ جایگاه زن ممنوع کرده است) نه تنها اشکالی ندارد بلکه واجب است. زنان بعنوان نیمی از جامعه نقششان غیر قابل انکار است.



از فروش نفت و کاهش درآمد نفتی ایران ۵، خروج کمپانی های خارجی و اروپایی از ایران ۶، کاهش عزت و احترام دیپلماسی و پاسپورت ایرانی ۷،افزایش نرخ دولتی ۸، رشد بیکاری و رکود اقتصادی ۹، صف‌های طولیل برای تامین مواد اولیه و اقلام ضروری معیشتی مردم و در اخر تنها ۲۰درصدی از موارد بالا مربوط به تحریم بوده و میشد با تدبیر و درایت دولت (تدبیر و امید) این مشکلات را حل کرد.





محمد رضا شهرکی

دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

عدالت و مبارزه با فساد از آرمان تا عمل

مردم با مشکلات انبوه و مختلفی دست و پنجه نرم می‌کنند و مسئولین باید در تسهیل سختی‌ها و دشواری‌های مردم سیاست و تدبیر حکیمانه‌ای اتخاذ کنند تا با پنجه تدبیر و عدالت بر مشکلات پیروز شد. سستی در انجام امور و برپایی پدیده‌هایی چون آفازاده‌گرایی که زمینه‌ساز ریزش‌های پر فراز و نشیبی خواهد شد از اهداف اولیه انقلاب اسلامی فاصله دارد. امام علی (ع) در روز دوم خلافت خود به مسلمانان گفت: «به خدا اگر ببینم که بیت المال به مهر زنان یا به بهای کنیزان رفته باشد،آن را باز می‌گردانم که در عدالت گشایش است و آن که عدالت برای وی سخت باشد، ستم برای او سخت تر خواهد بود.»

قوه قضاییه و دستگاه‌های مربوطه نباید ذره‌ای در احقاق حق و حقوق مردم و همچنین عدالت و مبارزه با فساد عقب بکشند. ممکن است دشمن همه‌ای گسترده در این خصوص آغاز کند و رسانه‌های معاند و حتی آقایان روشنفکر داخلی نیز به بهانه‌های حقوق بشر و... دشمنی خود را ابراز کنند اما مسیر مشخص شده است اگر که ادعای مبارزه با فساد داریم باید برای مسیر حق هزینه داد تا مردم اثرات آن را لمس کنند. باید در کشور قانون محوری و شایسته سالاری اساس سیاست کشور را تشکیل دهد چرا که تا زمانی قانون حکم فرما نباشد، نظم پدیدار نخواهد شد و عدل نیز پدیدار نخواهد نبود. تا زمانی که شایسته سالاری حکم فرما نشود و رابطه بر ضابطه حکومت کند ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم قانونمندی و عدالت حاکم فرما شود. اما زمانی می‌توان عدالت را به وجود آورد که درک صحیحی از معنای عدالت و قانون را تعریف کرده و آن را تبیین نموده و از صفات ناپسند که آفت عدالتند از جمله حسادت، بداندیشی، التقاتل گری، عقده‌گشایی، خویشاوندسالاری و... که می‌توانند موانع مهم برای ایجاد عدالت باشند پرهیز کرد. عدالت باید ترکیب قانون الهی و خواسته‌های منطقی مردم باشد. عدالت باید درصدد جلب رضایت همگان باشد و نه صرفا یک طبقه خاص. تا به امروز تعهد به اصول اخلاقی در اوج قدرت که از ملزومات اخشاصی است که ادعای حق طلبی، عدالت طلبی و ادعای مبارزه با فساد دارند آن طور که باید محقق نشده. است، پس می‌شود گفت هنوز فاصله زیادی وجود دارد تا به یک جامعه اسلامی آرمانی برسیم و البته به این معنی نیست که جمهوری اسلامی این مسیر پرفراز و نشیبی که سراسر برای مسئولان و مردم پر است از آزمون، آزمون‌هایی از جنس انقلابی‌گری که در تاریخ هم کم نداریم افرادی که رنگ نقاب به خود گرفتند چرا که درک درستی از موضوعات نداشتند.

ساختارها و بدعت‌هایی که گذاشته شده درست نیستند و نیاز به اصلاح و تغییر دارند. در حوزه عدالت و مبارزه با فساد باید مراتب و مراحل تعریف و تدوین کرد. باید به گونه‌ای عمل کرد که راه نفوذ و فراری وجود نداشته باشد و با هر نوع فساد در جایگاه خودش به بهترین نحو برخورد شود.

در کشور می‌بینیم یک عده با شعارهای آزادی و غیره به دنبال جذب مخاطب هستند و در عمل نتولیبرالی عمل می‌کنند و دنبال فساد درون شبکه‌ای و حزبی هستند اما در ظاهر به گونه دیگری عمل می کنند. جمهوری اسلامی ایران زمانی به حد قابل قبولی در زمینه عدالت و مبارزه با فساد می رسد که با قاطعیت در مقابل فساد، تبعیض، بی‌عدالتی ایستادگی نماید. اما باید حواسمان باشد که نباید هم صدا با دشمنان از دستاوردهایی که در حوزه عدالت و مبارزه با فساد بدست آورده‌ایم،چشم پوشی نماییم

هم شاگردی/ نشریه تحلیلی تبیینی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان / ۴



محمد رضا شهرکی

دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

دلیل آشفنگی اقتصاد ایران، نداشتن یک برنامه و چشم‌انداز جامع است

در ابتدای سخن لطفاً مختصری در مورد خود و فعالیت‌هایتان در زمینه‌های اقتصادی بفرمائید؟

بنده حسین خزلی ۴۴ ساله هستم، ۲۰ ساله گذشته در مسئولیت های متعدد در بازار سرمایه فعالیت داشته ام، ازجمله مدیر کارگزارهای مختلف، عضو هیئت‌مدیره شرکت های سرمایه‌گذاری و همچنین در نهادهای بازار سرمایه، دو سالی دبیر کل کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار بودم و دو دوره عضو هیات مدیره بورس کلای ایران و دبیر اجرای راه‌اندازی بورس تهران بودم، سمت های اجرایی مختلف پاره‌وقت و تمام‌وقت در بازار سرمایه داشتم و هم‌اکنون هم مشاور سرمایه‌گذاری و مسائل بورسی و بازار سرمایه‌ای سه شرکت و هلدینگ هستم.

هر دولتی که در ایران به روی کارآمد، اول و وسط و آخرش برنامه های مختلفی اجرا کرده و به برنامه دولتی های قبل و اسناد بالادستی پایبند نبود، بنابراین ما یک مسیر مشخصی را در سی سال گذشته طی نکردیم.

در شرایط تحریم و جنگ اقتصادی افق بازار سرمایه را چگونه می‌بینید؟

اگر به نوسانات بازار سرمایه در ۲۹ سال گذشته نگاه شود، می توان گفت که ۲۹ سال گذشته، یعنی از سال ۱۳۶۹ که بورس مجدداً بعد از جنگ فعال شد، در شرایط متعددی نوسانات فراوانی داشتیم، در هر دو دوره ی تحریم های سخت در ایران یعنی سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷، بورس به دلیل کاهش ارزش ریال و به دلیل رشد و پرش قیمت دلار نسبت به ریال، بورس هم با یک تأخیر چندماهه، یک پرش و یک صعود را داشته، به‌رحال ما اگر می‌خواهیم که اقتصادمان مصون از تکانه های بین‌المللی باشد، یکی از بهترین روش های آن، حضور هوشمندانه عموم مردم در بازار سرمایه است، نقدینگی بسیار بزرگی که این روزها صحبت از هزار و هشت‌صد میلیارد تومانی شدن آن است، می‌تواند بخش بزرگی از آن از طریق بورس، کمک بشود به توسعه ی اقتصاد ایران به‌گونه‌ای درون‌گرا و با سرمایه‌گذاری خود ملت ایران اقتصاد رشد بکند و وابستگی ما را به نفت و همچنین به دلار کم کند، به‌رحال بازار سرمایه جایی است که خیلی خوب می‌توانیم در آن نقش هدایت نقدینه گی را بازی کنیم.

آیا دلیل اصلی مشکلات اقتصادی و معیشتی که امروز کشور دچار آن است تحریم‌ها هستند؟ در غیر این صورت چه عواملی باعث آشفنگی وضعیت اقتصادی کشور شده است؟

بنده خودم شخصاً تحریم‌ها را عامل دوم می دانم، واضح است که دلیل آشفنگی اقتصاد ایران، نداشتن یک برنامه و چشم‌انداز جامع که همه‌ی دولت ها و همه ی لایه های جامعه پایبند به آن باشند است، هر دولتی که در ایران به روی کارآمد، اول و وسط و آخرش برنامه های مختلفی

دوم درواقع برای بالا رفتن ارز؛ تقاضای احتیاطی است، یعنی این‌که ما برای واردات ماشین‌آلات و گندم و جو به یک‌میزانی ارز نیاز داریم، ولی وقتی چشم‌انداز نسبت به آینده نااطمینان است و چشم اندازه از آینده عدم ثبات است و چشم اندازه از آینده این است که دلار گران می شود، خیلی از چیزهایی که بعداً می خواهیم وارد کنیم، الان دلار و یوروی آن را می‌خریم و وارد می‌کنیم و انبار می‌کنیم، بنابراین تقاضاهایی که باید ماها و سال های آینده روی ارز می‌آمد به زمان حال منتقل می‌شود و همین امر خود موجب بالا رفتن افزایش ارز می‌شود. سومین دلیل هم که طبیعی است تقاضای سفته‌بازان و سوداگران است، خیلی از کسانی که به ارز نیاز ندارند، در شرایط نااطمینانی و در شرایطی که احساس می‌کنند بحران وجود دارد، دارایی های خودشان را از ریال به ارز تبدیل می کنند، برای اینکه مصون از تورم باشند و حتی اینکه سود بکنند، بنابراین در ماه های گذشته می‌دیدید که بسیاری از افشار جامعه که هیچ‌وقت به ارز نیاز نداشتند هجوم آوردند که ارز به‌صورت فیزیکی بخرند و در خانه، کشوها و گاوصندوق هایشان نگهدار کردند؛ بنابراین تا اول ما ثبات را در مورد آینده نداشته باشیم، استرس، اضطراب و عدم اطمینان را نسبت به آینده کم و حذف نکنیم، بعضی ها برای مصون نگه‌داشتن دارای شان به سمت طلا و ارز می روند، درصورتی‌که اگر ثبات و اطمینان وجود داشته باشد تا زمانی که ما واردکننده‌ی بزرگ باشیم، این اتفاق تکرار خواهد شد. همه ی اسناد بالادستی

و همه‌ی برنامه های استراتژیک کشور بر این مطلب استوار بود که ما باید صادرکننده‌ی بزرگ باشیم و کشور ما این پتانسیل را داشت که علاوه بر نفت در گاز، میعانات، محصولات پتروشیمی، محصولات معدنی، فولادی‌ها و حتی داشن، فناوری و مهندسی و آی تی صادرکننده باشیم اما این حرف‌ها برای زمانی است که بوی تحریم و جنگ و به قولی محاصره‌ی اقتصادی وجود نداشته باشد. ما این پتانسیل را داریم که باثبات با آرامش به یکی از بزرگ‌ترین صادرکننده‌های دنیا تبدیل شویم و رشد اقتصادی ۱۱ و ۱۲ در سال برای ده های متمادی را دوباره ببینیم.

من از همین‌جا استفاده می‌کنم و می‌گویم که طبیعی است کسانی که چشم دیدن رشد اقتصاد ایران را ندارند و می‌دانند که ایران پتانسیل آن را دارد، به‌شدت مایل به تحریم، به افزایش و عدم اطمینان در اقتصاد ایران هستند. قطعاً عربستان و اسرائیل در منطقه ما و قطعاً دشمنان خارجی ما مانند سلطنت‌طلب‌ها و منافقین برای ضربه زدن به ساختارهای ایران مایل هستند که تحریم ها را افزایش دهند.

به نظر شما آیا روند فروش نفت و مشتقات آن در بورس انرژی ادامه دار است؟ و این روش فروش نفت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟



متأسفانه اصلاً خوش‌بین نیستم به فروش نفت خام در بورس انرژی، خیلی هم با استقبال مواجه نشد؛ فروش نفت مشکلات فنی، مشکلات امنیتی و سیاسی دارد و سابقه ای صدساله پشت آن است؛ بنابراین عرضه ی نفت خام در بورس را خیلی موفق نمی دانم و چشم‌انداز موفقی ندارد.

ارتباط نظام بانکی و پولی ما با بازار سرمایه، اکنون در کشور چگونه است؟ تا چه اندازه با سیستم ایده آل فاصله‌داریم؟

همان‌گونه که در بالا عرض کردم هنوز فاصله ی بسیار زیاده بین شبکه های بانکی و پولی و بازار سرمایه وجود دارد، هنوز در بدنه ی بانک ها و شبکه‌ی پولی کشور خودشان را رقیب بازار سرمایه می‌دانند حتی در مقامات ناظر این دو هماهنگی های ایده آلی که باید وجود داشته باشد، وجود ندارد و بعضاً نسبت به تصمیمات یکدیگر هم کارشکنی می‌کنند، فوتبال به دلیل اینکه تجزیه‌وتحلیل کردید، وقت گذاشتید و ریسک بیابوریم که بین بانک ها، بورس ها و بیمه، هیچ‌گونه مرزی وجود نداشته باشد و تعامل و همکاری به وجود آید، باعث کمک این سه بازو به توسعه ی اقتصاد ایران و تشکیل سرمایه و رشد سرمایه‌گذاری می شود.

بنده مطمئنم که بورس آن‌قدر جذاب هست که حتی اگر زمانی شما مالی را از دست بدهید یا ضرری کنید، مثل همان بازی فوتبال به دلیل اینکه تجزیه‌وتحلیل کردید، وقت گذاشتید و ریسک پذیرفتید باوجود گاهی ضرر کردن بازهم ادامه می‌دهید و بازهم ادامه می‌دهید

اساساً چرا تا این اندازه سیستم اقتصادی کشور ما بانک‌محور است؟ مزایا و معایب این نوع سیستم اقتصادی چیست؟ بانک‌ها در کشورها توسعه‌یافته چه جایگاهی در سیستم اقتصادی کشورها دارند؟

طبیعی است بورس، نهاد متأخری است نسبت به بانک، مملکت ما صدسال تجربه ی تأسیس بانک و بانکداری را دارد، وهمان طور که عرض کردم بورس از سال ۱۳۶۹ ایجادشده و از سال ۱۳۸۴ می‌توان گفت که با قانون بازار اوراق بهادار تولید مجدد پیدا کرد و رشد قابل‌توجه بورس هم از سال ۱۳۹۰ به بعد است؛ بنابراین اقتصاد ما که بانک محور است به خاطر قدمت و به خاطر قدرت بانک ها است. در مورد اینکه در کشورهای پیشرفته چگونه است هنوز اقتصاددان‌ها نظریه واحدی نداده‌اند و کشورهایی مثل ژاپن و آلمان هنوز باوجود داشتن اقتصاد پیشرو، بانک

خارج از مرزهای کشور انقلاب اسلامی ایران ارزش‌هایی را نظیر فرهنگ جهاد مطرح کرد؛ شعار مردم کشمیر، فلسطین و مصر نمونه‌هایی از این قبیل است. مساجد از یک تاریخی به بعد جایگاه خود را یافت ولی هنوز جای کار هست؛ مساجد باید محل برگزاری کلاس‌های فرهنگی باشد و صفوف نماز جماعت باید پر باشند از جوانان نه فقط سالمندان! باید جذابیت‌هایی ایجاد کرد در مورد اینکه چه آموزش هایی نیاز است و از چه عناوینی و چگونه امتحان گرفته می شود و چگونه گواهینامه ها صادر می‌شود، وجود دارد، بنابراین جوان ها و دانشجویها دو مسیر دارند، یا اینکه به‌صورت غیرحرفه‌ای و کارگاه خودشان برای خودشان سرمایه‌گذاری کنند، یا اینکه می‌خواهند حرفه ای وارد بازار سرمایه و جذب نهادهای سرمایه شوند؛ در حالت دوم باید گواهی‌نامه‌های بازار سرمایه که رئیس و متولی آن سازمان بورس و اوراق بهادار است را حتما داشته باشند.

خارج از مرزهای کشور انقلاب اسلامی ایران ارزش‌هایی را نظیر فرهنگ جهاد مطرح کرد؛ شعار مردم کشمیر، فلسطین و مصر نمونه‌هایی از این قبیل است. مساجد از یک تاریخی به بعد جایگاه خود را یافت ولی هنوز جای کار هست؛ مساجد باید محل برگزاری کلاس‌های فرهنگی باشد و صفوف نماز جماعت باید پر باشند از جوانان نه فقط سالمندان! باید جذابیت‌هایی ایجاد کرد در مورد اینکه چه آموزش هایی نیاز است و از چه عناوینی و چگونه امتحان گرفته می شود و چگونه گواهینامه ها صادر می‌شود، وجود دارد، بنابراین جوان ها و دانشجویها دو مسیر دارند، یا اینکه به‌صورت غیرحرفه‌ای و کارگاه خودشان برای خودشان سرمایه‌گذاری کنند، یا اینکه می‌خواهند حرفه ای وارد بازار سرمایه و جذب نهادهای سرمایه شوند؛ در حالت دوم باید گواهی‌نامه‌های بازار سرمایه که رئیس و متولی آن سازمان بورس و اوراق بهادار است را حتما داشته باشند.

۵ / سال پنجم/ شماره بیست و دوم/ نیمه دوم تیر ماه ۱۳۹۸

محور هستند، اما کشورهایی مثل انگلستان و آمریکا بازار محورند و بورس درشان نقش بیشتری دارد، اما همان‌طور که عرض کردم نظریات مدرن این است که همه ی ابزارها، نهادهای مالی آن‌چنان تودرتو شده اند که مرز شفاف و دقیقی برایشان وجود ندارد و بازارها را صرفاً به‌واسطه‌ی مقام ناظرشان تفکیک می‌کنند.

در پایان چه پیشنهادی برای ورود دانشجویان و افراد تازه کار به بازار سرمایه‌دارید؟

نسل جدید نسلی است که ریسک‌پذیرند، نسلی است که می‌خواهد تحولات بزرگ و پرش‌های بزرگ داشته باشد، نسلی که به حقوق ثابت و استخدام شدن درجایی خیلی اعتقاد ندارد و اتفاقاً بورس مناسب برای آدم هایی است که بسیار ریسک‌پذیرند، علاقه‌مند به تجزیه‌وتحلیل هستند و مغز پردازش گری داند، دانشجویان حتماً باید در دانشگاهشان کارگاه‌های آموزشی بگذارند یا اگر در دانشگاه به چنین کارگاه‌هایی دسترسی ندارند، حتماً از کلاس ها و آموزشگاه های بیرون از محل دانشگاه استفاده کنند و تا حدودی آموزش کسب کنند و بعداً؛اینکه آموزش دیدند نسبت به ورود به بازار سرمایه اقدام کنند. بنده مطمئنم که بورس آن‌قدر جذاب هست که حتی اگر زمانی شما مالی را از دست بدهید یا ضرری کنید، مثل همان بازی فوتبال به دلیل اینکه تجزیه‌وتحلیل کردید، وقت گذاشتید و ریسک پذیرفتید باوجود گاهی ضرر کردن بازهم ادامه می‌دهید و این از جذابیت‌های خود بورس هست و از خوبی‌های دیگر بورس این است که شما می‌توانید در کنار کار اصلی و تخصص و حرفه ی اصلی خود مهارت سرمایه‌گذاری را کسب کنید که باعث کمک به معاش و تأمین زندگی آینده ی جوانان ما شود. بعضی از جوانان اتفاقاً رشته شان و کارشان هیچ ارتباطی با سرمایه نداشته، اما بعد از آشنا شدن با بازار سرمایه و چند سالی را به‌عنوان سرمایه‌گذار خرد سپری کردن، دوره های پیشرفته را گذرانده و بعد به‌طور حرفه ای وارد بازار سرمایه‌گذاری شدند. کسانی که مایل اند به‌طور حرفه‌ای وارد نهادهای مالی شوند، معامله‌گر شوند، سبد گردان، مشاور سرمایه‌گذاری، تحلیل‌گر بازار سرمایه شوند، در همه‌ی سطوح می‌توانند گواهی نامه های حرفه ای بازار سرمایه را بگیرند، این گواهی‌نامه‌ها توسط سازمان بورس و اوراق بهادار اهدا می شود، اگر وارد سایت سازمان شویم در بخش گواهینامه های بازار سرمایه اطلاعات بسیار وسیعی در مورد اینکه چه آموزش هایی نیاز است و از چه عناوینی و چگونه امتحان گرفته می شود و چگونه گواهینامه ها صادر می‌شود، وجود دارد، بنابراین جوان ها و دانشجویها دو مسیر دارند، یا اینکه به‌صورت غیرحرفه‌ای و کارگاه خودشان برای خودشان سرمایه‌گذاری کنند، یا اینکه می‌خواهند حرفه ای وارد بازار سرمایه و جذب نهادهای سرمایه شوند؛ در حالت دوم باید گواهی‌نامه‌های بازار سرمایه که رئیس و متولی آن سازمان بورس و اوراق بهادار است را حتما داشته باشند.

سازان این مرز و بوم اند. امروزه ایران در شرایطی قرار دارد که باید در گام دوم با تلاش دوبرابر به موفقیت‌های بیشتری برسیم.



ناشناختگان مشهور

قبل از پرداختن به مبحث سلبرتی و نقش آن در جامعه بهتر است سینمای ایده آل دینی و انقلابی و متعهد را بررسی کنیم. سینمای متعهد جایگاه والای انسان و تعهد او به سایر انسان‌ها است عده‌ای می‌گویند در هنر متعهد کلمه اول با کلمه دوم در تناقض است و هنر یعنی آنچه مبتنی بر تخیل آزاد انسان است و متعهد یعنی زنجیر شده. این دو چگونه با هم می‌سازد؟ این نوعی تصور نادرست است.

بحث مسئولیت و تعهد هنرمند جایگاه ویژه ای دارد. یک هنرمند قبل از هنرمند بودن یک انسان است و انسان نمی‌تواند مسئول نباشد و اولین مسئولیت انسان در مقابل انسان‌هاست. علاوه بر اینکه مسئولیت انسان به انسان به عنوان زمینه اصلی در بحث سینمای متعهد مطرح است تعهد به فرم و مضمون نیز اهمیت دارد.

سینمای دینی یعنی نشر حقایق و معارف دینی و ماندگار سازی آن‌ها در ذهن مخاطبان حتی به صورتی که هیچ اسمی از دین و آیه‌ای از قرآن هم در آن آورده نشده باشد مشکلی ندارد، بلکه مهم مفهوم و نتیجه‌گیری کلی آن است. سینمای انقلابی حرکت بزرگ و افتخارآمیز ملت ایران در جریان انقلاب و دستاوردهای مهم آن را شامل می‌شود و برگرفته از یک نگاه زیبا شناختی در زمینه هنر است. حال بیاندیشیم که آیا ما به سینما و هنر ایده آل رسیده ایم که انتظار داریم سلبرتی‌های مان حماسه آفرینی کنند؟

البته ناگفته نماند، هستند هنرمندانی که در حیطه شناخت کامل خود در عرصه‌ی هنر قدم نهاده به نقش آفرینی‌های گسترده‌ای برای ایران و انقلاب پرداخته‌اند. بعضی از سلبرتی‌های ما مفهوم درست هنر را درک نکرده‌اند و تحت تأثیر فرهنگ غرب گرفتار آسیب‌هایی شده‌اند که در سینمای غرب، غربیان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

سلبرتی‌ها در جامعه ما طبق فرهنگ سازی اشتباه برای یک عده الگو تعریف می‌شوند از این رو باید هویت و اصالت اصیل خود و فرهنگ ایرانی اسلامی را حفظ کنند تا موجب گمراهی عده‌ای و تحریک افکار عمومی نشوند. درجوامع غربی سرعت مشهورشدن افراد در عرصه سینما و هنر چندان بالا نیست در حالی که در ایران به ناگاه شاهد حضور افرادی ناشناخته در فضای مجازی و بزرگ کردن آنها هستیم و همانطور که می‌بینیم حضور افرادی در زمره سلبرتی به سرعت اتفاق افتاده و به سرعت هم این جو برای آن افراد خاموش می‌شود. البته از نقش اصلی رسانه ها در تقویت و محبوبیت و مشهور شدن افراد نمی‌توان چشم پوشی کرده و بعضاً نیز شاهد دخالت‌های بی‌جای بعضی از سلبرتی‌ها در عرصه‌های خارج از حیطه کاری و تخصص خودهستیم که اثرات مخرب دارد و معضلی در فضای کشور می‌شود. اگر آنها از محبوبیت خود برای تاثیرگذاری در سایر حوزه‌ها استفاده نکنند بسیاری از کج کار کردسلبرتی ها از بین خواهد رفت.



تحریم‌ها و حقوق بین‌الملل



برای تحریم تعریف های زیادی وجود دارد که از میان آنها تعریف زیرکاملتر و دربردارنده سایر تعاریف است: تحریم عبارت است از امتناعی نظام یافته از برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا گروهی خاص از دولت ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول.

نظام حقوق بین الملل به عنوان یک نظام حقوقی غیر سازمان یافته، در تضمین اجرای قواعد خود تا حدود زیادی با عدم تمرکز روبرو می باشد. نتیجه مستقیم فقدان سازوکارهای نهادین دارای صلاحیت اجباری جهت مقابله و مجازات نقض های حقوق بین الملل، شناسائی حق هر دولت در توسل به اقدامات متقابل (خودیاری) برای مقابله با نقض تعهدات بین المللی و جبران خسارات وارده می باشد . استفاده برخی دولتها از تحریم اقتصادی، بدون وجود مجوز قبلی شورای امنیت و خارج از سیستم امنیت جمعی منشور، باعث گردیده تا مشروعیت این اقدامات از حیث انطباق آنها با موازین حقوقی بین المللی با شک و تردید همراه باشد. تحریم کنندگان در توجیه اقدامات خود به اصل آزادی دولتها در برقراری یا قطع روابط تجاری خود با سایر دولتها استناد می کنند. در پاره ای از موارد نیز استفاده از تحریمهای یکجانبه به عنوان ابزاری جهت پیشبرد اهداف سیاست ملی دولتهای قدرتمند بوده است. با این حال، هدف نهائی از اجرای تحریمهای اقتصادی یکجانبه هر چه باشد، باید با لحاظ تعهدات بین المللی دولتها به موجب معاهدات بین المللی حقوق بشری باشد. عدم توجه به آثار زیانبار تحریمها بر وضعیت کلی حقوق بشر در کشور هدف، نه تنها مشروعیت این اقدامات را از بین می برد، بلکه مسئولیت دولت یا دولتهای تحریم کننده را نیز به موجب حقوق بین الملل دامن می زند.

برای بررسی تحریم‌های علیه جمهوری اسلامی ایران از منظر حقوق بین‌الملل باید تحریم‌های چند جانبه یا سازمانی را از تحریم‌های یک جانبه جدا کرد. مقررات تحریم‌های سازمانی یا چندجانبه، حقوق سازمان‌های بین‌المللی خواهد بود، اما تحریم‌های یکجانبه تابع حقوق بین‌الملل عمومی به طور کلی و حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به طور خاص خواهد بود.

تحریم‌های یکجانبه نیز به دو نوع تحریم‌های اقتصادی و تحریم‌های غیراقتصادی قابل تقسیم است. تحریم‌های یکجانبه اقتصادی که عموم تحریم‌های یکجانبه را شامل می‌شود مواردی چون تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، کمک مالی خارجی و غیره را در بر می‌گیرد و تحریم‌های یکجانبه غیراقتصادی معمولاً با ادعای نقض حقوق بشر علیه اشخاص خاصی اعمال می‌شود و شامل مواردی چون تحریم دارایی و تحریم مسافرتی می‌شود.

منشور سازمان ملل سندی است که نحوهٔ کار سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن را تعیین می‌کند، این



اصولاً هر حرکت هدفدار و نظام مندی نیازمند اصل «برنامه ریزی» است. با یک نگاه کلی به بیانیه گام دوم انقلاب می توان متوجه شد که رهبر معظم انقلاب با نگاهی استراتژیک و راهبردی بیانیه گام دوم انقلاب را ابلاغ کردند؛ دیدگاه استراتژیک یعنی اینکه‌از کجا، به چه طریقی و با چه شرایطی آمده ایم؟ درکجا قرار داریم؟ منابع و امکاناتمان چیست؟ تهدیدها و فرصت ها کدامند؟ به کجا خواهیم رفت؟ و ابزارمان برای رسیدن به هدف چیست؟

رهبر معظم انقلاب در این بیانیه به همه سوالات مذکور جواب صریح، مستدل و روشن داده اند.

انقلاب اسلامی در بطن ظلمات و تاریکی‌هایی که جهان محصور در دو قطبی شرق و غرب را فرا گرفته بود با یک اراده الهی و حرکتی مردمی به عنوان قطب سوم ظاهر گشت و با فروپاشی بلوک شرق، سخن از یک دوقطبی جدید به نام «اسلام و استکبار» را در عصر جدید به میان آورد؛ انقلابی که ضمن آمادگی برای تصحیح خطاهای خویش به اصول خود پای بند بوده و تجدیدنظر ناپذیر است.

انقلابی که با «اصل ما می توانیم» از صفر شروع کرده و با وجود موانع و مشکلات بسیار همانند جنگ تحمیلی و تحریم‌ها هرگز از پای نایستاده و در حد توان تهدیدها را به فرصت تبدیل کرده است. اما نکته دیگر این بیانیه زمان صدور آن است؛ در زمانی که دشمنان از همه توان خود برای متوقف کردن انقلاب استفاده می‌کنند و انقلاب اسلامی را ناکارآمد و آستانه سقوط جلوه می‌دهند، رهبر انقلاب با صدور این بیانیه و ترسیم ماموریت‌ها و چشم اندازهای انقلاب اسلامی در گامی

جدید و عصری جدید جوانانی را که دشمن همه توانش برای سقوط فرهنگی آنان به کار برده است را مخاطب قرار می دهد و ضمن دعوت به استفاده از تجربه گرانیهای گذشته با کلام و دیدگاهی مستدل، آرمانگرایانه و واقع بینانه آنان را به آینده‌ای روشن بشارت می‌دهد.

با این مقدمه نسبتاً طولانی بدین جا رسیدیم که رهبر معظم انقلاب، جوانان و بخصوص جوان مومن انقلابی دانا و کاردان را مخاطب خود در این بیانیه قرار داده است؛ یعنی ادامه راه با جوانان است و ما هم به عنوان فعالین تشکیلاتی باید همانند و بخصوص جوان مومن انقلابی دانا و کاردان را مخاطب خود در این بیانیه قرار داده است؛ یعنی ادامه راه با جوانان است و ما هم به عنوان فعالین تشکیلاتی باید همانند گروهی به سوالات بالا پاسخ دهیم. اما سوالی که پیش می آید این است که تشکل‌های دانشجویی در گام دوم چه باید‌ها و نبایدهایی

پیش رو دارند؟ نکته جالبی که در بیانیه می توان مشاهده نمود این است که مقام معظم رهبری شاه کلید همه مسائل را «امید و نگاه خوشبینانه » می دانند ؛ امید ی که کاذب نیست و محرک است، و مهم‌ترین ویژگی

جوانان نیز امید به آینده است؛ پس باید در هر فعالیتی و در هر زمینه‌ای ضمن دیدن نیمه پُر لیوان، امیدوارانه در جهت پر کردن

نیمه دیگر گام برداشت!

دانشجو و جنبش دانشجویی به عنوان مؤذن جامعه باید بیدار باشد، یعنی: تشکل‌های ما باید به سمتی بروند که نیازهای جامعه را تشخیص دهند و مطالعه و پژوهش‌های جامعه‌ی دانشجویی را به سمت نیازهای اساسی جامعه سوق دهند.

ارتباط بین دانشگاه و صنعت دو بعد دارد؛ اول، همسویی مطالعات دانشگاهی با نیازهای صنعت؛ دوم، حمایت دو جانبه این دو از یکدیگر. یعنی یک بعد درون دانشگاهی و بعد دیگر برون دانشگاهی؛ حال بعد درون دانشگاهی تا حد زیادی احتیاج دارد که در اینجا باید جنبش دانشجویی فعال‌تر شود و جایگاه خود را به درستی تعریف کند.

ما در مدیریت استراتژیک میحثی داریم به عنوان رخداد و روند؛ در جامعه ما گاهی رخدادها و روندها به اشتباه تحلیل می شو ند ؛

برای مثال دو دهه قبل که پدیده ویدئو در جامعه مطرح شد ما به عنوان یک رخداد به آن نگاه کردیم یعنی مواجهه سلبی! اما ویدئو تنها یک رخداد نبود بلکه یک روند بود که در ادامه با ماهواره و سپس فضای مجازی ادامه پیدا

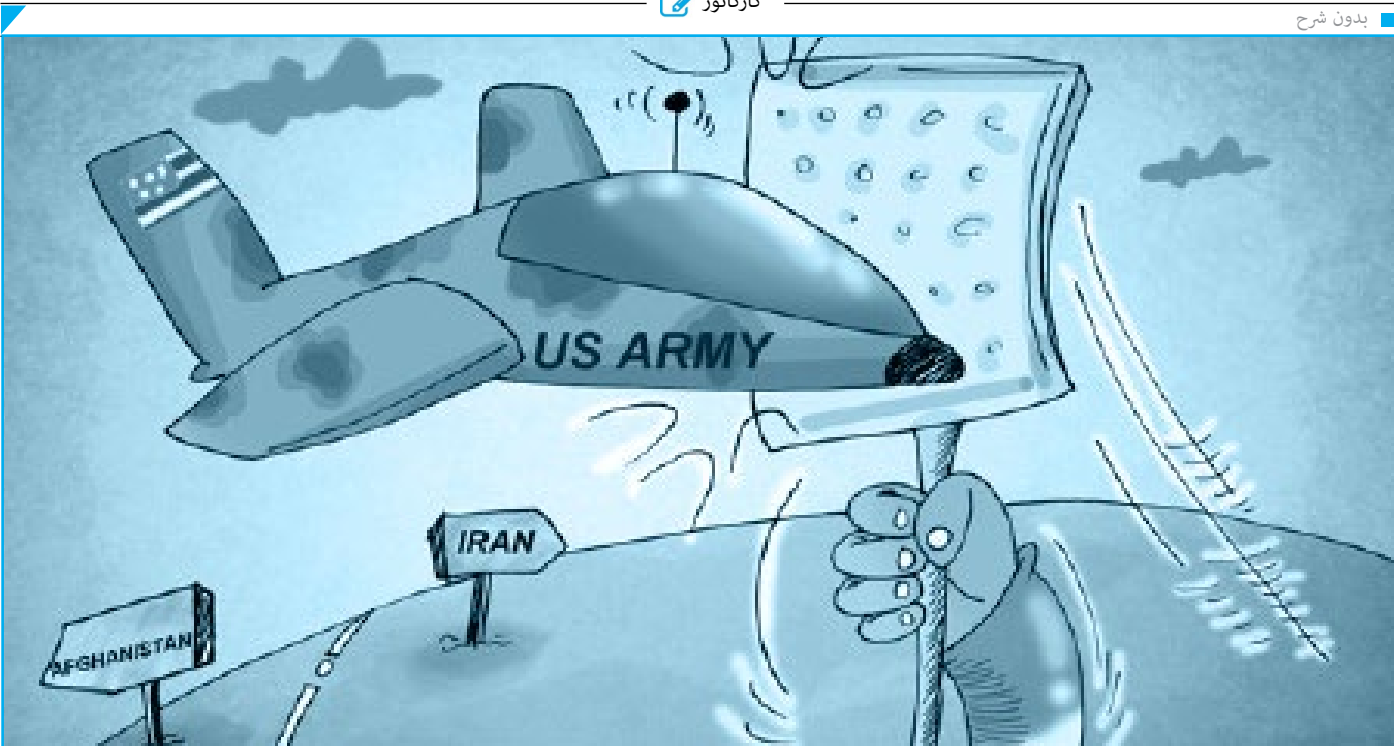
تشکل های دانشجویی و گام دوم انقلاب؛ باید ها و نباید ها

کرد؛ اگر قرارگاه‌های فرهنگی و بخصوص تشکل‌های دانشجویی با یک دید بلند مدت نیاز جامعه به بخش نرم افزار و سخت افزار در رسانه را به درستی تشخیص می‌دادند و مطالعات و پژوهش‌های مناسبی در این راستا انجام می‌دادند شاید امروز اسیر تلگرام و اینستاگرام نمی‌شدیم.

تفاوت جنبش دانشجویی و دانشجوی تشکیلاتی با سایر دانشجویان باید در این باشد که نیازهای جامعه را بشناسد و با تحلیل مناسب نیازهای آتی را تشخیص دهد و با تعریف اهداف کوتاه مدت و بلند مدت از بعد فردی و گروهی به سمت آن حرکت کند.

حال در بیانیه گام دوم میبینیم که اولین توصیه از توصیه‌های هفتگانه رهبری به حوزه علم و پژوهش اختصاص دارد. رهبری اعتقاد دارند که باید برای پنجاه سال آتی برنامه‌ریزی کنیم و بعد از پنجاه سال جهان در وضعیت علمی به نحوی حرکت کند که هر کس که بخواهد علمی بیاموزد لاجرم زبان فارسی را تعلیم ببیند! این یک هدف بلند مدت است و اجرای آن نیازمند تعریف اهداف کوتاه مدت و برنامه ریزی مناسب است که این امر علاوه بر مسئولین متوجه جنبش دانشجویی نیز می‌باشد.

پیشرفت در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و سایر حوزه منوط به پیشرفت در حوزه علم و پژوهش و بومی سازی(ایرانی- اسلامی) علوم است تا همانند حوزه‌های دفاعی و هسته‌ای به نقطه‌ای دست یابیم که دیگر تهدیدها و تحریم‌ها اثرگذار نباشند. در گام دوم انقلاب وظیفه تشکل‌های انقلابی فراتر از گذشته است و باید بصورت آتش به اختیار نیازها را بشناسد، پژوهش کند و برنامه عملی ارائه دهد.



■ محمد جواد زارعی

دانشجوی دانشگاه صنعتی قم

جوان حزب اللهی؛

عامل تأثیر گذار در فضای مجازی



امروز با وجود پیشرفت تکنولوژی و ابزارآلات ارتباط جمعی، اخبار سریعتر از هر چیز دیگر منتقل می‌شود. این اخبار فراتر از کاربرد استراتژیک خود در گذشته، کاربرد اقتصادی نیز پیدا کرده است. رساندن سریعتر خبر یک رقابت و بیشتر از آن یک تجارت شده است اما همچنان اهمیت قدیمی خود را حفظ کرده است.

امروزه به نشر اخباری که می‌تواند از میلیاردها هزینه و چندین سلاح مرگبار سریعتر و قوی‌تر عمل کند، عملیات روانی می‌گویند. عملیات روانی بر خلاف عملیات های دیگر، هزینه‌ی چندان و تلفاتی ندارد! بستر نشر این اخبار که امروزه فضای مجازی شناخته می‌شود، امروز همه گیر شده و در ریز و جزئیات زندگی اکثریت مردم جامعه تأثیر گذار است. احتمالاً تا به حال برایتان اتفاق افتاده است که چند روزی بین شما و تلفن همراهتان، به دلایل مختلفی فاصله افتاده باشد. معمولاً در این شرایط احساس کمبود بزرگی می‌کنیم. خصوصاً قشر جوان امروز که همه اطرافیان خود حتی خانواده خود را هم در این فضا عیادت می‌کند!

متأسفانه این فضا، اگر چه نامش مجازی است، اما کاملاً فضای حقیقی است. بسیاری از مردم در این فضا مشغول به کسب و کارند. بسیاری از مشاغل حتی کاملاً به فضای مجازی وابسته بوده و بدون آن عملاً امکان پذیر نیستند.

از طرفی این فضای همه گیر، چشم طمع اصحاب قدرت را به خود جلب می‌کند. به طوری که با نشر اخبار کاذب، بسیاری از قیمت‌ها را جابجا می‌کنند، می‌توانند قحطی ایجاد کنند، ترس فراگیر بر جامعه القا کنند و حتی نتایج انتخابات را عوض کنند و...

در مواجهه با این فضا ما دو راهکار داریم، اولی موضع انفعال و سلبی است. قطعاً چنین موضعی مخاطرات بسیاری خواهد داشت و اساساً هم ممکن نخواهد بود. ناگزیر یک راه داریم؛ در چنین فضایی لازم است قشر فرهیخته جامعه، با قدرت و آگاهی وارد عرصه شده و با موضع ایجابی و پویا اجازه سوء استفاده از این موهبت را ندهند.

علی‌رغم سهولت دسترسی به فضای مجازی، وارد شدن در چنین عرصه‌ای به عنوان یک عنصر تأثیرگذار، بدون دانش لازم، هماهنگی و کار تشکیلاتی نه تنها مفید نخواهد بود؛ چه بسا مضرات غیر قابل جبرانی خواهد داشت. بنابراین نیاز است دلسوزان و دغدغه‌مندان، با همت بیش از پیش جهت ورود به فضای مجازی تلاش کرده و به دنبال فراگیری آموزش های لازم باشند. همچنین با استفاده از تجربیات دیگران، در جهت هماهنگی و هم افزایی تلاش نموده و با برنامه ریزی دقیق و مشخص وارد عرصه شوند.

یادداشت

■ علی یوسفی / دانشجوی دانشگاه فرهنگیان یزد

مرکز ثقل نظام تعلیم و تربیت

نشده است!

ج (تشکل های دانشجوی حزب اللهی به عنوان بازوی انقلاب اسلامی در دانشگاه ها، در دانشگاه فرهنگیان هنوز جایگاه اساسی خود را پیدا نکرده اند، برخورد های سیلقه ای با فعالیت های تشکل ها، عدم حمایت مالی از تشکل ها نسبت به برخی دانشگاه های دیگر، مشکلات متعدد اداری و کاغذبازی هایی که سبب کند شدن حرکت تشکل ها می گردد و ... از جمله مشکلات مهم اما قابل حل در این بخش است.

د (در زمینه معیشت نیز مشکلات فراوانی وجود دارد که بعضاً سبب کاهش انگیزه دانشجویمعلمان گردیده آنان را نسبت به آینده نا امید می کند، ترس از آینده معیشتی با توجه به شرایط حقوقی ناعادلانه، برخورد های غیر منطقی دانشگاه از قبیل کسر ۴۵ درصدی حقوق دانشجومعلمان، برخورد های متناقض از جمله در مسئله افزایش حقوق سال ۹۸ که سبب اعتراض گسترده دانشجومعلمان گردید، تصمیم های خلق الساعه نظیر تبدیل استخدام رسمی دانشجومعلمان به استخدام پیمانی (که با اعتراض گسترده دانشجویان لنو گردید) و ... سبب به هم ریختن آرامش روانی دانشجومعلمان می گردد و شایسته توجه فوری است چطور است که با کسر ۴۵ درصد حقوق، هزینه استفاده از غذا و خوابگاه برای دانشجویان دانشگاه فرهنگیان عملاً بسیار بیشتر از دانشجویان سایر دانشگاه ها محاسبه می گردد؟

در شرایطی که هیچ برنامه فرهنگی شایسته ای در ساعات غیر از کلاسی در دانشگاه ها برگزار نمی گردد (بجز برخی برنامه های مقطعی و نمایشی) اصولاً فلسفه شبانه روزی بودن دانشگاه فرهنگیان (جز همین کسر حقوق) چیست؟

مسئله سربازی دانشجو معلمان نیز از دیگر تصمیمات تبعیض آمیز و ناامید کننده دانشجویان بوده است .آیا نمی توان با گنجاندن واحد های تئوری و عملی در برنامه آموزشی دانشجویان و برگزاری دوره هایی در طول سال تحصیلی از اتلاف وقت دانشجویان در تابستان که می تواند صرف اقدامات مفید تری شود جلوگیری کرد؟

این ها گوشه ای از مشکلاتی بود که قطعاً با مدیریت صحیح و برنامه ریزی دقیق قابل حل می باشد اما متأسفانه گستردگی دانشگاه و بعضاً انتخاب مدیران بر اساس ملاک هایی غیر از شایستگی و توانایی باعث این وضعیت در راهبردی ترین دانشگاه کشور می باشد.



■ رضا قلعه نوی / دانشجوی دانشگاه گیلان

سیاست یکی از کار ویژه هایش مدیریت خوب جامعه است وقتی بحث «مدیریت خوب جامعه» مطرح می شود آنگاه پس بحث حاکم خوب و حکمران خوب مطرح می شود و این خوب بودن در سیاست نیاز به شاخص دارد ممکن است در کشوری آبی را مثلاً می گویند خوب اما در کشوری سبز را خوب می دانند . لذا بحث حکمران خوب ، بحث نسبی است و نیز کار ویژه ی دوم بحث «حفظ نظم ، امنیت و ثبات کشور» است . حتی دانشجوی سیاست تا حکمران خوب و سیاستمدار باید به نظم توجه کند . اگر در کشور نظم و انضباط نباشد هر برنامه ای بهترین برنامه هم باشد قابل اجرا نیست. بحث دیگر بحث «اجرای عدالت» است. مثل بوق و صدایی که همه ی دولت ها آن را سر می دهند. اما آن قدر بحث کلی است که هرکس که به آن برخورد می کند می پرسد : عدالت چیست؟ فلان برنامه (برنامه ی مجلس) عادلانه بود. در ظاهر این بحث عدالت بسیار جذاب است اما در باطن بحث عدالت پیچیده ترین، جنجالی ترین و حساس ترین بحث سیاست است و غالباً به توافق نمی رسند .

کارویژه ی بعدی سیاست « موارد نیاز میرم و شدید هر جامعه » است : یک جامعه دارای یک خصوصیات و ویژگی

کارکرد ویژه ی سیاست چیست ؟

دیگر آن مشکلات را ندارد حال سیاست چه می کند ؟ سیاست به همه ی مشکلات نمی پردازد. کار ویژه سیاست پرداختن و کشف کلیدی ترین نیاز جامعه و پاسخ دادن احتمالی برای دفع آن مشکل مبرم است. یک جامعه و کشور چه بسا مشکلاتی هایشان هم همین طور، هرکشور و مملکتی مشکلات ویژه ی خود را دارد

و علم اجتماعی هر جامعه ای با مشکلاتی مواجه هست چه بسا مردمی دیگر، کشو ر ی مشکلاتی در اجتماع این مردم مشارکت می کنند حتی اگر مصیبت زده شوند، سیل و زلزله شود، ویرانی پدید آید افرادی که برای رفع این مشکل یا مشکل یا پیش می گذارند



یادداشت



مسئول ائتلاف احیای عدالت متعقد بودند طبق ماده ۲۶ هر دو رای فرد مذکور که ظاهراً به محمد علی کامفیروزی بوده است باید ابطال گردد که در این صورت محمدی با یک رای بیشتر عضو اصلی و کام فیروزی عضو علی البدل می شدند.

در این میان اما هر دو گروه مطابق قانون شکایات خود را نیز به وزارت علوم اعلام کردند که نماینده حقوقدان شورای مرکزی به دلیل اینکه تعداد امضاها به نیمی از تعداد افراد شرکت کننده‌ها در انتخابات نرسیده است هر دو شکایت را رد کرد.

در این میان و جدای از اختلافات فکری میان دو ائتلاف اما نقش جانب دارانه وزارت علوم و تخلفات گسترده کاملاً مشخص است و با این روند مشخص نیست چه آشی برای فعالین نشریات در دور سوم انتخابات خواهند پخت.

طلوع آزادی که در این سال‌ها همیشه دو عضو اصلی کمیته را در اختیار داشته است، تمام تلاش خود برای ائتلاف میان جبهه انقلاب برای تضعیف آن را انجام داد که به نتیجه ای نرسید.

سرانجام پس از تلاش‌های فراوان اما انتخابات برگزار شد و میلاد مفاخری از جبهه انقلاب با ۱۴۸ رای نفر اول شد و محمدرضا محمدی و محمدعلی کامفیروزی با ۱۴۰ رای برابر شده و به دور دوم رفتند. در دور دوم ابتدا نتایج اعلام شده به صورت محمدهلی کامفیروزی ۱۴۳ و محمدرضا محمدی ۱۴۲ بود که پس از بررسی مجدد مشخص شد یک مدیرمسئول ۲ رای در صندوق انداخته و حال مسئله جدیدی مطرح شد ائتلاف طلوع آزادی متعقد بود فقط رای دوم تخلف است و باید ابطال گردد

و این نظر وزارت علوم نیز بود که سرانجام اعلام و قرار بر برگزاری دور سوم شد از آن طرف محمدرضا محمدی و دیگر مدیران

جناح محوری خبرگزاری‌ها و رسانه‌های دولتی

در ارتباط با رسانه‌های حاکمیتی چند نوع نگاه وجود دارد. رسانه‌های دولتی که روی کار هستند و رسانه‌های تابعه که رویکرد متغیری دارند. ازجمله روزنامه همشهری شهرداری تهران که با تغییر شورا و شهرداری فضای آن تغییر پیدا می‌کند و خبرگزاری ایرنا نیز در دولت‌های قبلی یک فضا داشته و در دولت یازدهم و دوازدهم فضایی دیگری به خود گرفته است.

اساساً نه‌تنها در ایران بلکه در کشورهای دیگر نیز این فضا وجود دارد که دولت‌ها منحصرأ رسانه رسمی را که مدنظر همه است، در اختیار دارند. در ایران نیز اگر رسانه‌های خارجی بخواهند خبر رسمی را منتشر کنند این کار را به نقل از رسانه‌های دولتی انجام می‌دهند.

متأسفانه این فضا دیده می‌شود که رسانه‌های دولتی کاملاً با سرکار آمدن دولت جدید، از طیف به‌خصوصی حمایت می‌کنند و هر سمت و سویی که دولت داشته باشد، از بالا به پایین با همان رویکرد فعالیت می‌کنند و دفاتر استانی نیز به این روال شکل می‌گیرند، عملاً می‌بینیم که نکات مثبت دولت گفته می‌شود و نقدی نسبت به عملکرد دولت ندارد.

به دلیل خلأهایی در روزنامه‌های حاکمیتی وجود دارد و پائین آمدن سطح مطالعه، نسل جوان ما دیگر سمت رسانه‌های مکتوب

نمی‌رود و عملاً این روزنامه‌ها، تأثیرگذاری چندانی بر روی نسل جوان ندارند. یکی از دلایل این معضل شاید این باشد که نسل جوان آن‌گونه که باید به روزنامه‌های حاکمیتی تزریق نشده است تا بتواند تعادل لازم را برقرار کند.

در بخش رسانه‌های مجازی خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، به دلیل این‌که کاملاً در اختیار دولت است و با تغییر دولت رویکرد خود را تغییر می‌دهد، چندان رسانه ماندگاری حساب نمی‌شود و هر ۴ سال یا ۸ سال تغییر جهت داده و نمی‌تواند منبع اصلی مردم برای گرفتن اطلاعات و اخبار باشد.

این‌که چرا جنبش‌های دانشجویی ظرفیت ورود و مدیریت رسانه‌ها را دارند موضوعی است که باید بیشتر به نوع فعالیت‌های آن توجه کرد به این دلیل که صفر تا صد فعالیت را خودشان شروع می‌کنند و به

مرور تجربه‌های مهمی را در فضای حساس و تأثیرگذار دانشگاه کسب می‌کنند. از سوزه پردازی و تولید محتوا گرفته تا ذائقه‌شناسی و توزیع نشریه توسط خود دانشجویان انجام می‌شود و این فعالیت‌ها در طول چهار سال دوران دانشجویی باعث می‌شود به یک تحلیلگر قهار تبدیل شود.

مسئلاً اگر این نیرو در روزنامه‌ای مثل کیهان فعالیت داشته باشد قطعاً می‌تواند آغازگر یک تحول باشد و تغییرات بزرگی را ایجاد کند.

اگر توجه کنید، فضای مطبوعات کشور ما بعد از انقلاب اسلامی شاهد تحولات عظیمی بود و دلیل این تحولات مؤثر دانشجویان خط امام و دانشجویان انقلابی آن دوران بودند و بعد از اینکه فضا عوض شد، کیهان و اطلاعات و… مسئولانش عوض شده و خط فکری‌ها تغییر کرد.



باید توجه داشت که عدم تزریق جنبش دانشجویی و فعالان نشریات دانشجویی در رسانه‌ها، تأثیر منفی با خود به همراه داشته است. فعالیت در نشریه دانشجویی بدون توجه و بدون پیشینه ذهنی نسبت به این روزنامه و مطبوعات انجام می‌شود، خود این هم درواقع اثر منفی دارد چراکه نشریه دانشجویی در حقیقت با یکسری واقعیات روزنامه‌نگاری روبه‌رو نیست و باید آموزش‌هایی در این بخش ارائه شود.

اغلب نشریات دانشجویی به‌صورت ماهنامه منتشر می‌شوند و فعالیت روزنامه‌ای مباحث اقتصادی بیشتری دارد. اما چون این فاصله را ایجاد کرده‌اند، عملاً نه کارآموزی، نه به‌صورت دوره‌ای، قلم بزنند و این خلأ تأثیرگذار است. نباید انتظار داشته باشیم که اگر امروز مقام معظم رهبری می‌فرمایند از ظرفیت فعالان نشریات دانشجویی استفاده شوند مثلاً در عرض ۶ ماه شاهد تحولاتی در روزنامه‌ای هم‌چون کیهان باشیم. فضای جنبش دانشجویی فضای طولیلی از مطبوعات دارد چراکه اجازه نزدیک شدن به این حوزه به جنبش‌های دانشجویی داده نشده است. با در اختیار گذاشتن فضای لازم در اختیار جنبش دانشجویی و عمل به شعار جوان‌گرایی قطعاً می‌توان در چند سال آینده شاهد تحول بزرگی در این زمینه باشیم.



وقتی حتی سیل هم نمی‌تواند عطش قدرت‌طلبی آقایان را فروبشاند

سیدمناف حرفی برای گفتن نیست بار گناه تهمت سنگین است و تقوا حکم می‌کند تحلیلی در این باره ارائه نشود. از املاک نجومی شهرداری تهران و نام مناف هاشمی هم صحبتی نکنیم بهتر است! اما کارنامه تقریباً هیچ مناف هاشمی در استان گلستان، انتصابات کاملاً سیاسی او و



جاده دوم خرداد

در لیستی که تقریباً مشابه با کارگزاران بود توانستند چند کرسی را از آن خود کنند که شروع بدی به حساب نمی‌آمد. اما هدف بعدی بسیار بزرگ‌تر بود.

ساختمان پاستور!!!

قطعا برای رسیدن به این هدف بزرگ نیاز به دو عامل بزرگ بود، حمایت خواص و عوام مردم. برای جلب توجه عوام نیاز اصلی رسانه است که این جبهه از ابتدای فعالیت به حاکمیت نشان داده بود که در بحث رسانه و مخصوصاً مطبوعات توانمندی خاصی دارد. در مورد خواص نیز این جبهه مشکل خاصی نداشت با از بین رفتن مجاهدین انقلاب اسلامی عملاً این جبهه پشت خاتمی بودند و نظر هاشمی نیز به خاتمی نزدیک تر بود. اما مشکل اصلی آن بود که عملکرد اقتصادی دولت سازندگی مردم را نسبت به هاشمی بدبین کرده بود و حمایت چنین شخصی قطعاً



شاید بتوان آغاز راه دوم خرداد را پس از فوت امام دانست، خاتمی که از وزرای مورد علاقه موسوی در دولت سوم و چهارم بود توانست وارد تیم مرحوم هاشمی نیز شود. وزیری که تا دیروز ۳۰ پایگاه فرهنگی در ۱۷ کشور جهان و بسیاری از کارهای انقلابی در کارنامه‌اش می‌درخشید امروز حرف‌های جدیدی مثل فضای آزاد برای نشریات می‌زد که در ظاهر شعاری زیبا بود اما پشت پرده هدفی جز کادرسازی و گردآوردن بدنه اجتماعی نداشت. بدنه‌ای که در آینده بسیار به درد او خواهد خورد. خاتمی که پایه برنامه خود را روی فضای نشریات گذاشته بود به کمک همراهان خود دو نشریه سلام و کیان را تاسیس کرد. اولی نشریه‌ای اجتماعی و منتقد حاکمیت که تریبون رسمی چپ‌ها محسوب می‌شد و نشریه کیان که به دنبال آرمان تربیت روشنفکر دینی و سکولاریسم بر پایه دین با محوریت فکری «سروش» بود.

در حوزه‌های دیگر هم وضع بهتر از این نبود در جشنواره فیلم فجر سال ۶۹، فیلم‌هایی با مضامین و صحنه‌های مبتذل اکران شد و حتی به یک هنرپیشه زن ترک که در کشور لائیک خود به فساد و فحشا معروف بود، جایزه سیمرغ بلورین اعطا شد تا سرانجام داد اعتراض روحانیت نیز درآید. پس از مدتی مقام معظم رهبری برای نخستین بار از مسئله تهاجم فرهنگی سخن به میان آوردند و هشدار دادند. آن روز جریان دوم خرداد وارد مرحله جدیدی شد. این بار خاتمی در نامه‌ای سرگشاده به رئیس جمهور وقت از فشارها به وزارت خانه‌اش گله کرد و استعفا داد تا در نگاه عامه جامعه فردی هنجارشکن لقب گیرد که حاکمیت با او مخالف است. پرستیژی که با توجه به عملکرد ضعیف اقتصادی دولت سازندگی و نارضایتی عمومی، مورد اقبال مردم قرار گرفت و او را به قهرمان تبدیل کرد. اما وقت آن رسیده بود که جبهه دوم خرداد فعالیت خود را رسمی کند.

دیدار خاتمی با رهبری و کسب اجازه از ایشان رسماً این جبهه را وارد کارزار انتخابات مجلس پنجم کرد و

■ علی علیزاده

اینستا نوشت

حسرت ژاپنی‌ها...

درست است تولید ناخالص ملی ژاپن ده برابر ایران است اما مطمئتم ژاپنی های بسیاری امروز حسرت ایرانیان را خورندند. ژاپنی که بعد از هفتاد و پنج سال هنوز در اشغال رسمی بیست و سه پایگاه نظامی آمریکا و پنجاه هزار سرباز و پرسنل آمریکایی است.

سربازانی که در هفتاد وپنج سال گذشته بارها مردم ژاپن خواهان خروجشان از خاک این کشور شده‌اند و راه به جایی نبرده‌اند. سربازانی که حتی وقتی به زنان ژاپنی تجاوز کرده‌اند، و این امری عادی در این سالها بوده، در داخل ژاپن محاکمه نشده‌اند و به آمریکا بازگردانده شده‌اند. یعنی همان قانون تحقیرآمیز کاپیتولاسیون. ژاپنی که نه تنها هنوز جرات یک‌کلمه نقد جنایات آمریکا در جنگ دوم جهانی یا رفتار توهین آمیز نظامیانش با مردم این کشور را ندارد بلکه مجبور شده بارها از آمریکا معذرت هم بخواهد. مطمئتم ژاپنی‌های بسیاری امروز حسرت خورندند.

مطمئتم آرزو داشتند رهبر آنها هم جای پادویی و پیامرسانی برای آمریکا، میتوانست صدای استقلال ملتش بشود و میتوانست ترامپ را اینگونه صریح تحقیر کند. مطمئتم ژاپنی‌های بسیاری آرزو داشتند رهبر آنها هم حداقل اگر نمیتوانست آمریکا را از منطقه شان اخراج کند، حداقل از خاک خودشان بیرون کند. مطمئتم ژاپنی‌های بسیاری امروز آرزو کردند مثل ایرانی ها به استقلال و عزت و شجاعت برسند. پانوشت: زیباکلام‌ها، این موبدان بی دانش مذهب غرب-پرستی مدام با مقایسه ایران با ژاپن ما را تحقیر می کنند. اما آنها هرگز به ما نمی گویند ژاپن در اشغال نظامی آمریکاست. این عکس که را باید جلوشان گذاشت.



تبعات منفی در انتخابات داشت.

در این هنگام این جریان شروع به تخریب ظاهری هاشمی کرد. لقب عالی جناب سرخ پوش برای هاشمی بین دوم خرداد۱‌ها رواج یافت و انتقادهای شدیدی متوجه او می‌شد. کم کم به انتخابات ۷۶ نزدیک می‌شویم و طبق مدلی که بعدا در انتخابات ۹۲ هم پیاده شد، ابتدا شائبه حضور مهندس موسوی که دارای جایگاه خوبی در آن زمان بین مردم بود در انتخابات ۷۶ در بین عموم مردم مطرح شد تا فضا کمی گرم شود. در دی ۷۵ موسوی طی بیانیه‌ای اعلام کرد که در انتخابات شرکت نخواهد کرد و یک ماه بعد حضور خاتمی بصورت رسمی مسجل شد.مردمی که طی برنامه ای پنج ساله تحت تأثیر رسانه این جبهه قرار گرفته بودند به وعده‌های انتخاباتی خاتمی واکنش مثبت نشان می‌دادند و تنها تیر نهایی لازم بود تا سرنوشت انتخابات دوم خرداد ۷۶ یکسره شود. روزنامه سلام که وابستگی بی چون و چرایی به این جریان داشت صحبت در مورد احتمال تقلب در انتخابات به نفع ناطق که او را نماینده حاکمیت و مورد حمایت هاشمی معرفی می کردند، را شروع کرد. صحبت‌هایی که بدنه مردمی را نگران و بسیاری از آرای ناطق را به سبد خاتمی ریخت. ضربه نهایی در ۲۶ اردیبهشت در نمازجمعه شلیک شد جایی که هاشمی با دامن زدن به این قضیه به مردم اطمینان داد اجازه بروز تقلب را نخواهد داد. در نهایت ۲۰ میلیون رای پشتوانه‌ی دولت اصلاحات شد تا کشور را پس از دوره سازندگی وارد مرحله جدیدی کند.

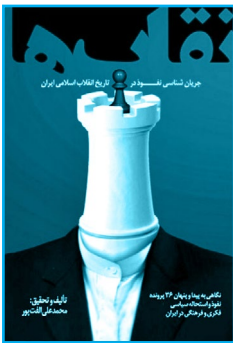
اما اگر بخواهیم پس از گذشت حدود بیست سال از ایده دوم خرداد به وضع حال حاضر این جبهه بیردازیم به وضوح می‌بینم پس از عملکرد ضعیف لیست امید و روحانی دیگر عامه مردم نگاه مثبتی به خاتمی نداشته و عملاً حرف او دیگر خریداری ندارد. در چنین شرایطی باید ببینیم تئورسین‌های جبهه اصلاحات برای مواجهه با انتخابات ۹۸ مجلس و ۱۴۰۰ ریاست جمهوری چه رویکردی را دنبال خواهند کرد.

مدیرمسئول: محمد زادمهر / شورای سردبیری: محمدرضا شهرکی، فاطمه غریب شاه، عاطفه نصوری
ویراستار: توحید محمدزاده / مدیر هنری: معصومه سربازی زاده
هیئت تحریریه: محمد امین مهدی پور، محمد جواد زارعی، احسان سلیمان پور، خلیل عامری نیا، رضا فرهمند، رضا قلعه نوی، علی قاری، ابوالفضل محمدی، امیر حسن نواب، علی یوسفی نسب، محدثه اسلامی، زهرا اسداللهی، لیلا زارعی.

معرفی کتاب

نقاب ها
جریان شناسی نفوذ در تاریخ انقلاب اسلامی
ایران

نقاب ها



جریان شناسی نفوذ در تاریخ انقلاب اسلامی ایران؛ نگاهی به پیدا و پنهان ۳۶ پرونده نفوذ و استحاله سیاسی، فکری و فرهنگی ایران است. کتاب فوق چهارمین کتاب به قلم علی الفت پور بعد از کتاب هایی همچون بازگشت از نیمه راه، چهل تدبیر و ... می باشد.

این کتاب درباره ۳۶ پرونده است که از زمان پهلوی شروع شده و تا زمان حال حاضر می رسند. تهیه چنین کتابی با تاکیداتی که رهبر معظم انقلاب در حوزه نفوذ و مفهوم استحاله دارند، معنی پیدا می کند. نمونه بارز تغییراتی است که در تصمیمات و محاسبات مسئولان ایجاد می شود. در این کتاب به شخصیت هایی در تاریخ معاصرمان پرداخته شده است و این که چه ضرباتی به ساختار کلان حاکمیت زده اند. نمونه اش کلاهی، کشمیری، عباس ظریباف، تفرشی، خانبازی و ... در دهه ۶۰ هستند. در دهه ۷۰ هم جریان های فکری بودند که یا خودشان استحاله شدند و یا دنبال استحاله آموزه های انقلاب بودند.

نقاب ها یکی از کتاب هایی است که در سال ۱۳۹۷ منتشر و با استقبال خوبی از طرف مخاطبان روبه رو شد. این کتاب در ۴۴۵ صفحه تهیه شده و هم اکنون با مبلغ ۳۷۰۰۰ تومان توسط انتشارات مولف عرضه می گردد.

توییت گرام

سید احسان قاضی راده هاشمی
@ehsanghazade

روز گذشته تعدادی از نمایندگان باین استدلال که در آینده طرح #اعاده_اموال_نامشروع_مسئولان چماقی بر سر خودمان خواهد شد!! به دنبال جمع آوری امضا جهت مسکوت ماندن و نهایتاً منتفی شدن این طرح بودند که خدارا شکر، تفکرشان رای نیاورد.
آنکه حساب پاک است، از محاسبه چه بایک است؟؟

متین منتظمی
@matin_montazami

ورود نیروهای نظامی و شبه نظامی به کوی دانشگاه!
روز شمار تاریخی دانشگاه تهران این عنوان رو به ۱۸ تیر داده. عوض کردن جای شهید و جلاد؛ صریح تر از این؟
رئیس و معاونان دانشگاه گفتند از این تقویم بی خبریم. روابط عمومی هم گفت بیشتر از این جا نشد برای دستگیری ها بنویسیم!

مهدی کارکی
@mahdi_karkon

رئیس جمهوری که میگه اختیار ندارم الان چطور میتونه معاونت بازگانی تشکیل بده و راس اون معاونت هم افرادی رو که در فتنه فعال بودند رو به کار بگیره؟
#سینکی

سید حمید علیراده
@seyyedhamid71

این سوم خرداده که امروز #گلوبال_هاوک رو ترکونده
به داداش داره به اسم دوم خرداد که اقتصاد کشورو ترکونده



سحر ستاری
@SaharSatar120

حتی خدا هم برای احقاق حق به بند و موطنه اکتفا نکرد و #قانون گذاشت. پوشش #صاحبخانه خوب خوب است. به شرط اینکه تنها نباشد. نمایندگان عزیز! از تصویب مالیات بر مسکن خالی چه خبر؟ از cgt چه خبر؟ در جریانید #انتخابات نزدیک است؟!
#صاحبخانه خوب

علی یوسفی نسب
@petrosetalabkar

درست مثل #فوتبال
در سیاست هم کسانی آرام میان تماشاگر ها نشسته اند تا در مواقع لزوم وسط میدان بپرن و با لطایف الحیل حواس ها را به خودشان جمع و از نکات مهم تر و مطالبات اساسی تری پرت کنند!
در آستانه انتخابات ۹۸ مراقب #چیمی_جامپ_های_سیاسی باشیم!



reza mokhtari
@Reza_Mkt

هنوز بادم هست #سحر_مهرابی در دیدار دانشجویان با رهبری دم
از رعایت قانون اساسی می زد اما حالا که نوبت به نظارت خودشان بر آیین نامه انتخابات نشریات شده ، سیستم #نفری_دو_رای را ترجیح می دهند.

خیزران
@kheyzaran

از #گاندو فهمیدم سیستم امنیتی مملکت از توانمندی خانم ها بدون تبعیض جنسیتی استفاده می کنه و در مشاغل عملیاتی هم از توان زنان سرزمینم بهره می گیره.
همین طور کسانی با سیستم همکاری می کنند که اصلاً نمی تونی فکرش رو هم بکنی. فقط به نظرم از توان خانم اوتادی در نقش بازجو استفاده نشد.

